



وقتی مرگ شاعر در برده ابهام است

فرهیختگان| وقتی که او در ۶۹ سالگی مرد مرگش خیلی طبیعی بود و تا سال‌ها هم این مرگ طبیعی جلوه می کرد. پابلو نرودا شاعر و سیاستمدار شیلیایی بعد از سال‌ها هنوز هم در مرکز توجه هنری این شانس را پیدا می‌کند که با مخاطب‌های خودشان بود. راننده او که سال‌ها پیش خبر داده بود نرودا به دلیل تئریق سم کشته شده توانست جسد او را از قبر بیرون بکشد تا دلیل آن مشخص شود. دلیل بیماری او و مرگش بر اثر پیشرفت سرطان بود. اما باز هم دوباره شوahدی پیدا شده و می‌گویند این شاعر نامدار جهانی کشته شده و باز هم قرار است جسد او مورد بازبینی و مکاشفه قرار گیرد. این سنیهه را سخنگوی دولت شیلی که رئیس اداره حقوق بشر این کشور نیز هست، مطرح کرده است.

گزارشی از آماده شدن برای سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر

ازپیش فروش بلیت‌ها تارقابت سینماها

کاوه سالاری | بهمن ماه همیشه روزهای پررفت و آمد و شلوغی برای اهالی هنر است. در این ماه بسیاری از آثار هنری این شانس را پیدا می‌کنند که با مخاطب‌های خودشان رودررو شوند. برای همین است که تئاتر، سینما، موسیقی و حوزه‌های تجسمی در این تکاپو سهیم هستند. با این همه سینما یکی از پرونوق‌ترین روزهایش را در جشنواره فیلم فجر می‌گذراند. برای همین است که پیش‌فروش بلیت‌های این جشنواره همواره هیجانی را در همه علاقه‌مندان به سینما به وجود می‌آورد و خیلی از فیلم‌بین‌ها برای آنکه در صف‌های بلیت این جشنواره نایستند پیشتر بلیت‌ها را

ایادلوپسان می‌گذارندجشنواره‌سی‌وسوم‌رنگارامش‌به‌خودبیند

حاشیه‌سازان مشغول کارند



مهردادو ابی‌دوست

از همان روزی که حسن روحانی، رئیس دولت یازدهم در دیدار جمعی از هنرمندان و اعضای تشکل‌های فرهنگی و هنری در تالار وحدت قول داد که اعتماد را به جامعه هنری برگرداند، عده‌ای از مدیران فرهنگی دولت سابق عزم‌شان را جزم کردند تا کاملاً به صورت سازمان‌یافته کاری کنند وعده‌های دولت تحقق پیدا نکند. هدف آنها در وهله اول این بود که سیاست‌های فرهنگی دولت یازدهم را با مشکل روبه‌رو کرده و در کوتاه‌مدت امید را به ناامیدی تبدیل کنند. حسن روحانی در جمع هنرمندان و اهالی فرهنگ گفته بود: «چرا نظارت بر سینما و کتاب و موسیقی را به اهلس واگذار نکنیم. چه اشکال دارد که انجمن‌های صنفی بخشی از بار مسئولیت وزارت ارشاد را به دوش گیرند. به هم اعتماد کنیم؛ دوران، دوران اعتماد است. وظیفه دولت مداخله در هنر نیست. وظیفه ذاتی دولت تامین مسائل مهم و ملی است. مثل مساله امنیت و سیاست خارجی که سیاست خارجی و اعمال دیپلماسی صرفاً از طریق دولت انجام می‌گیرد و نهاد دیگری حق مداخله ندارد. البته خطوط کلی سیاست خارجی طبق قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود، اما در حوزه‌های دیگر مثل اقتصاد و فرهنگ باید تصادی‌گری دولت به حداقل برسد. در شرایطی نیستیم که دولت بتواند آثار هنری خلق کند و هیچ دولتی نتوانسته است آثار هنری فاخری به وجود بیاورد.» علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در همان روزهای نخست به روی کارآمدنش همین قول‌ها را به اهالی فرهنگ و هنر داد که موجی از امیدواری در میان هنرمندان و نویسندگان به وجود آمد. حاجت‌الله ایوبی نیز به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی ماموریت پیدا کرد تا آرامش را به سینما بازگرداند. اما آنها که بنای‌شان را بر آن گذاشته بودند، تا هیچ کدام از وعده‌های دولت یازدهم در حوزه فرهنگ تحقق پیدا نکنند، برنامه‌هایی را تدارک دیدند تا آرامش به سینمای ایران بازنگردد. تئدروها دقیقاً به دنبال این مساله بودند که با ایجاد حاشیه‌های مختلف مانع بازگشت آرامش به سینمای ایران شوند. آنها تمام تئلا و تلاش‌شان را کردند تا هر اتفاق مثبتی را ختنی کنند؛ هدف برهم زدن آرامش بود. جشنواره سی‌ودوم بهترین بستر برای اجرای اهداف آنها بود. دولت یازدهم با انبوهی از فیلم‌هایی روبه‌رو شده بود که مجوز ساخت‌شان را در دولت دهم دریافت کرده یا در همان دولت توقیف بودند. مثال بارزش «خانه پدری» کیانوش عیاری بود که میراث دولت دهم بود و با تدبیر دولت یازدهم در جشنواره سی‌ودوم خارج از بخش مسابقه به نمایش درآمد. همین فیلم به یکی از پروژه‌های برهم زننده آرامش در سینمای ایران تبدیل شد و تا همین امروز هم ادامه دارد. فیلم‌های «صبنائی نیستم» رضا درمیشیان، «قصه‌ها» رخشان

بنی‌اعتماد، «آشغال‌های دوست‌داشتنی» رخشان بنی‌اعتماد، «خرس» خسرو معصومی و چند فیلم دیگر همه‌شان از معاونت سینمایی دولت دهم مجوز ساخت‌شان را دریافت کرده بودند، اما به مهم‌ترین معضلات سینمای ایران

تبدیل شدند. فشار دلوپسان در مجلس و رسانه‌های تحت امرشان باعث شد هیچ کدام از این فیلم‌ها اکران نشوند تا مبدا اعتمادی بین دولت و هنرمندان به وجود آید. این اتفاق قبل از برگزاری جشنواره سی‌وسوم هم کلید خورده است و شنیده می‌شود بر اثر برخی از فشارها بوده است که فیلم‌های «دل‌م می‌خواهد» بهمن فرمان‌آرا، «هنگ‌عنب» سامان مقدم و «استراحت مطلق» ابو‌الفضل کاغانی و «مادر طاعتی» علی احمدزاده به جشنواره فیلم فجر امسال راه نیابند. تمام این تدابیر اتخاذ شد تا جشنواره سی‌وسوم بی‌هیچ حاشیه‌ای برگزار شود. حتی مجید مجیدی نیز به‌عنوان رئیس هیات داوران انتخاب شد تا دیگر بهانه‌ای برای دلوپسان باقی نماند. اما شنیده می‌شود باز هم حاشیه‌ها قرار است ادامه داشته باشد. مدیران فرهنگی دولت دهم بیکار نشستند و باز هم در حرکتی سازماندهی شده، قصد دارند افکار عمومی را نسبت به نمایش فیلم‌های بی‌حاشیه جشنواره سی‌وسوم دچار مساله کنند. این در حالی است که شواهد نشان می‌دهد دبیر جشنواره سی‌وسوم علی‌رضا رضاداد، بنایش را براین گذاشته است تا جشنواره‌ای بی‌حاشیه برگزار کند. این وعده‌ای است که رئیس سازمان سینمایی نیز قولش را داده است و خواسته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز چنین است. بنابراین دور از انتظار نیست که رسانه‌های وابسته به تئدروها و دلوپسان دست به دست هم بدهند تا مبدا شاهد برگزاری جشنواره‌ای بی حاشیه باشیم.

#

فرهیختگان| وقتی که او در ۶۹ سالگی مرد مرگش خیلی طبیعی بود و تا سال‌ها هم این مرگ طبیعی جلوه می کرد. پابلو نرودا شاعر و سیاستمدار شیلیایی بعد از سال‌ها هنوز هم در مرکز توجه هنری این شانس را پیدا می‌کند که با مخاطب‌های خودشان بود. راننده او که سال‌ها پیش خبر داده بود نرودا به دلیل تزریق سم کشته شده توانست جسد او را از قبر بیرون بکشد تا دلیل آن مشخص شود. دلیل بیماری او و مرگش بر اثر پیشرفت سرطان بود. اما باز هم دوباره شوahدی پیدا شده و می‌گویند این شاعر نامدار جهانی کشته شده و باز هم قرار است جسد او مورد بازبینی و مکاشفه قرار گیرد. این سنیهه را سخنگوی دولت شیلی که رئیس اداره حقوق بشر این کشور نیز هست، مطرح کرده است.

تهیه می‌کنند. با همین امکان است که از روز اول بهمن تا روز سوم بهمن سامانه پیش‌فروش بلیت‌های فجر باز می‌شود و امکان خرید آن برای همه به وجود می‌آید. بر همین اساس است که فروش ۴۸ ساعته این جشنواره نشان می‌دهد هشت هزار سری از بلیت‌ها به فروش رفته است. با این همه کسانی که می‌خواهند بلیت‌های پیش خرید شده‌شان را دریافت کنند باید تا روز ۸ و ۹ بهمن صبر کنند تا از ساعات ۹ صبح تا هشت شب به پردیس سینمایی ملت بروند و بلیت‌های‌شان را تهیه کنند. جشنواره سی‌وسوم فجر نخستین جشنواره‌ای است که تولیدات

مینو قسمی | نادر قبله‌ای مترجم و روزنامه‌نگار ۳۴ ساله، امسال دو کتاب «میزگر به» نوشته مایکل اونداتیه و «وقتی شعله‌ها شما را در بر می‌گیرند» اثر دیوید سدریس را توسط نشر مروارید روانه بازار کرده است. کاوش در گذشته و بازخوانی دوره کودکی یکی از دغدغه‌هایی است که نویسندگان زیادی با آن دست‌وپنجه نرم کرده و هرکدام در شکلی آن را روایت کرده‌اند. مایکل اونداتیه، نویسنده کانادایی سریلانکایی‌ال‌اصل در رمان «میز گر به» دقیقاً دست به چنین کاری زده است. او که برنده جایزه بوکر است داستان پسر ۱۱ ساله رمانش را روی عرشه یک کشتی روایت می‌کند. پسر بچه ۱۱ ساله اوایل دهه ۱۹۵۰ در سریلانکا سوار کشتی می‌شود تا به انگلستان برود. در همین سفر است که نویسنده وارد دنیاهای غریب دوران کودکی می‌شود و مکاشفه‌ای را پیش پای مخاطبانش می‌گذارد. این داستان تلفیقی است از زندگی خود اونداتیه و افسانه. به نادر قبله‌ای درباره پنج کتاب ترجمه‌شده توسط او و ادبیات ایران گفت‌وگو کرده‌ام.

مترجم خالق اثر نیست، شما لحن و روحیات شخص دیگری را ترجمه می‌کنید. این ماجرا چقدر کمک می‌کند که زوایای شخصیتی این نویسنده را بشناسید؟ و اینکه آیا تا به حال شده در نقش نویسنده فرو بروید و با او هم‌ذات‌پنداری کنید یا اینکه دل‌تان بخواد نقطه نظر داستان را جور دیگری تغییربدهید؟

ببینید، مترجم نقش یک اپراتور را دارد. به او اثری را می‌دهند که به زبان دیگری تبدلش کند. اما این بحث که در نقش نویسنده بروی ص‌درص‌د پیش می‌آید، چراکه وقتی ترجمه می‌کنید، خیلی چیزها در ترجمه گم می‌شود و از بین می‌رود و تو مجبوری طرف را برای، مثلاً شخصیت‌پردازی داستان‌ش به خودت نزدیک کنی. یا مثلاً فضای داستان را در باورِی تا بتوانی با بیشترین راندمان کارت را تحویل دهی. یعنی در عوض ازبین‌رفتن یک‌سری چیزها، تو توانی فضا‌سازی کنی. مثلاً برای فضا‌سازی می‌توانی فضای داستان‌های کافکا را در نظر بگیرِی، که فضا‌ها را و ترس از آن را حس کنی تا بتوانی اثر را با نزدیک‌ترین شباهت به زبان مقصد در باورِی. برای شخصیت‌ها هم همین است. تو باید بتوانی با شخصیت دن‌کیشوت هم‌ذات‌پنداری کنی و ببینی نویسنده چه چیزی در ذهن داشته که این شخصیت را خلق کرده است. در واقع تو باید حتی به داستان‌نویسی تسلط داشته

درباره مورد عجیب اجازه گرفتن از نویسنده‌ها برا ی ترجمه

«هیچ وقت این کار را نمی‌کنم»

نادر قبله‌ای | بسا وجود ارتباط برقرار کردن با نویسنده، مترجم از نظر مالی کاری از دستش برنمی‌آید. حتی پولی را که نشر هم باید برای چاپ اثری، با رعایت‌معاهده کی‌رایت‌پرداز، آنقدر، در تیراژ پایین کتاب‌های ما، کم است که فقط برای این است که قراردادی قانونی نوشته شود. من نمی‌دانم ناشرها چرا خودشان دست‌به‌کار نمی‌شوند و تصمیم به حل این معضل نمی‌گیرند. از نظر اخلاقی این خیلی مهم است. من سعی کردم س‌د‌ر‌س و اونداتیه را

ادب‌وهنر



شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۳ ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ ۲۴ ژانویه ۲۰۱۵ شماره ۱۵۸۰



دولت یازدهم و سازمان سینمایی تحت ریاست ح‌ج‌ت‌الله ایوبی را به نمایش می‌گذارد. فیلم‌هایی که در یک اقدام ابتکاری امسال پیش از

موعد اکران‌شان در مراسم رونمایی از پوسترهای‌شان سینما دوستان را دور هم جمع کرده است. تغییرات جشنواره فیلم امسال نسبت به سال‌های گذشته هم خبرساز بوده و یکی از این تغییرات هم برگزار نشدن این جشنواره در استان‌های کشور است. او که در اختتامیه جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه وارش شرکت کرده بود گفت:

گفت‌وگو با نادر قبله‌ای، به بهانه انتشار دو ترجمه جدیدش

سیکل بسته صنعت نشر



اندر احوالات ناشران با مترجمان

مثلاً من کاری به یکی از ناشران معروف دادم و بعد از بازبینی اصطلاحی را استفاده کردند که من نمی‌دانم اصلا کی شکل گرفته است. کجای تاریخ ترجمه و ادبیات پیش آمده که بگویند ترجمه شما بومی است؟ ترجمه باز بومی نباشد، تو وقتی کتاب آمریکایی را ترجمه می‌کنی، نمی‌ایی اسم ایلالت‌ها را برای اینکه بومی نباشد عوض کنی. مثلاً واشنگتن را بکنی تهران و ویرجینا بشود اصفهان. تو چیزی را تغییر نمی‌دهی. اگر بخوای ترجمه غیرومی بکنی، پس سبک داستان چه می‌شود؟ یک منتقد ادبی فارسی‌زبان چطور می‌تواند شخصیت‌پردازی بکند؟ شما وقتی «سازده کوچولو» را ترجمه شما‌لو را می‌خوانید که خودش یک کار تو در ترجمه است، چطور می‌توانید به این ترجمه اعتماد کنید؟ یا وقتی ترجمه ذبیح‌الله منصوری را می‌خوانید چه اعتمادی می‌توانید داشته باشید؟ شما می‌توانید حتی ترجمه احمد شاملو در «سازده کوچولو» را با ترجمه محمد قاضی قیاس کنید تا ببینید تمام مدت اشتباه اعتماد کرده بودید و اصلاً داستان این نویسنده است.

باشی و به زبان خودت مسلط باشی تا بتوانی از معادل‌های درست زبانت برای ترجمه استفاده کنی. شما حتی می‌توانید مطابق نظریه فراهنجار از طریق داستان به شخصیت نویسنده هم پی ببرید.

وقتی کتاب‌های‌شما را می‌خوانم، می‌بینم که خیلی اصرار دارید حتی اصطلاحات رایج که در محبت ع‌ادی فارسی نمی‌آید را ترجمه کنید. مثل موبایل، اس‌ام‌اس، حتی یک‌سری اصطلاحاتی که ما خیلی به فارسی استفاده نمی‌کنیم را در ترجمه حتماً فارسی می‌کنید، دبلیش چیست؟

این مساله به ملزومات متن هم باز می‌گردد. مثلاً در کتاب «کودک ۴۴»، من پروپاگاندا نوشته بودم و ویراستار همه را به تبلیغات تبدیل کرد، اما من دوباره همه را پروپاگاندا کردم. وقتی یک کلمه معادل فارسی ندارد و پروپاگاندا یک‌سری تبلیغات سیاسی با هدف است، نمی‌شود نوشت تبلیغات. یک‌جایی به‌خاطر ملزومات متن تو مجبوری به این کار ولی وقتی تو می‌نویسی اس‌ام‌اس پس ترجمه چه می‌شود؟ انگار تو دیگر کار خاصی انجام نداده‌ای. انگار که تو فقط زحمت کشیده‌ای و ديکته فارسی نوشته‌ای. خب اینکه معنا نمی‌دهد، ترجمه یعنی همین. من معتقدم وقتی تو ترجمه می‌کنی باید خوانش فارسی داشته باشد. این با ساده‌نویسی متفاوت است، وقتی تو بیایی و متن میلان کون‌درا یا ماریو بارگاس یوسا را ساده کنی، به متن اصلی خیانت کرده‌ای.

Sat | 24 Jan 2015 | vol.06 | No. 1580

شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۳ ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ ۲۴ ژانویه ۲۰۱۵ شماره ۱۵۸۰

چهره‌ها



ادبیات

کیکاووس جهانداری

فرهیختگان| یک نفر دیگر از اهالی هنر و ادبیات چشم از دنیا بست. کیکاووس جهانداری مترجم که چند روز به دلیل بیماری روی در بیمارستان «چم» تهران بستری شده بود، پنجشنبه دوم بهمن‌ماه از دنیا رفت. او از آلمانی ترجمه می‌کرد و جزء نام‌آوران ترجمه از این زبان به فارسی بود. او یکی از پرخواننده‌ترین کتاب‌های ه‌رمان هسه را با نام «گرگ بیابان» ترجمه کرده بود. از ترجمه‌های او می‌توان به کتاب‌هایی چون «جهان‌های گمشده» نوشته آن‌تری وایت و «قطار به موقع رسید» نوشته هاینریش بل اشاره کرد.



تئاتر

اردشیر صالح‌پور

فرهیختگان| اردشیر صالح‌پور روزهای شلوغ و سختی را پشت سر می‌گذارد. او که نشان داده برخلاف مدیر قبلی اداره کل هنرهای نمایشی مسئول پاسخگویی است بالاخره به اعتراض‌هایی که این روزها باز هم از پوستر جدید تئاتر فجر شده پاسخ داده و گفته: «ممکن است این پوستر هم برداشتی از یک اثر باشد اما با توجه به اینکه فرصت محدودی داشتیم این‌ نکته مهم را باید در نظر داشت که انتخاب این پوستر توسط چند کارشناس برجسته انجام شده است.»



موسیقی

کیوان ساکت

فرهیختگان| تلفیق شبکه‌ها با یکدیگر میراثی است که قرار است از محمد سرافراز به جا بماند. او در مدت کوتاهی که ریاست سازمان صداوسیم‌ا را به عهده گرفته با شعار چاپک‌سازی شبکه‌های مختلفی را با هم تلفیق کرده است. تلفیق شبکه رادیویی «آوا» و «پیام» یکی دیگر از این اتفاقات است که صدای کیوان ساکت را درآورده و می‌گوید: «تلفیق دو شبکه آوا و پیام، صرف‌نظر از نابودی شبکه آوا باعث می‌شود اهمیت موسیقی از بین برود و بی‌اهمیت جلوه داده شود.» با این همه ساکت می‌گوید: «شبکه آوا یک نیاز است و حتی به نظم جای راه‌اندازی چندشبکه مانند شبکه آوا‌خال‌ی است تا هرکدام به یک ژانر موسیقی بپردازند.» این درحالی است که در سرتاسر جهان شبکه‌های رادیویی مخصوصی برای موسیقی در نظر گرفته می‌شود.



ادبیات

گلی ترقی

فرهیختگان| گلی ترقی یکی از اتفاق‌های ادبیات امروز ایران است. او به تازگی رمانی منتشر کرده به نام «اتفاق» که توجه علاقه‌مندان به نوشته‌هایش را به خودش جلب کرده است. او با خواننده‌هایش در کابرفروشی آینده دیدار کرده و از خاطرات خودش با ابراهیم گلستان، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و دیگران گفته است. او در این نشست گفته: «گذشته از ترافیک و آلودگی هوا، این تهران دیگر تهران من نیست، تهرانی است که شباهت دوری با تهران من دارد و این آزارم می‌دهد.»



دیگر می‌دهد تا به تمام زبان‌های قانونی از نظر کی‌رایت ترجمه شود و وقتی کتاب‌ها هم‌زمان آماده شدند همه را با هم منتشر می‌کنند، اما این اتفاق برای ما نمی‌افتد. من هیچ وقت نمی‌توانم برایش ایمیل بزنم و بگویم در این جمله مشکل دارم و معنی‌اش چه می‌شود یا بگویم برای کتاب یک مقدمه بنویس یا یادداشتی برای نشریه‌ای ایرانی بنویس. او هیچ‌وقت این کار را نمی‌کند.



به ح‌ر‌حال مرا مترجم قانونی نمی‌دانم، هرچند اگر کسی از ایران با او تماس بگیرد و بگوید من می‌خواهم کتاب را ترجمه کنم،

او چون قواعد ایران را نمی‌داند می‌گوید مترجم من فلائی است، ولی به شکل رسمی کاری نمی‌کند. مثلاً وقتی رسم بر این است که وقتی کتابی نوشته می‌شود و آماده انتشار می‌شود، ناشر کتاب را به تمام ناشران زبان‌های